

متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیزم متأسفانه در قرنی زندگی می‌کنیم که بیماری افسردگی در بین اکثریت مردم حتی انسان‌های مذهبی غوغا میکند هرچند که عادت‌مان شده که این افسردگی را با سرگرم شدن به دنیا و ... پنهان می‌کنیم ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که فکر و فرهنگ مستفلی جدای از غرب نداریم و با فرهنگ و وسایل غربی بزرگ شده ایم و به آنها عادت کرده ایم حال اگر کسی بخواهد زندگی دینی را شروع کند و از این فرهنگ کم‌کم جدا شود دچار مشکلات بسیاری می‌شود از جمله آنها افسردگی است بنده اعتقاد دارم که این وقت ما بسیار گرانبهاست و باید به صرف معرفت الله برسد اما باتوجه به شرایط زندگی ام مجبورم که بسیاری از کارهایی که از آنها بیزارم هستم انجام بدهم تا افسردگی همسرم بیشتر نشود مثل اینکه وقت بیشتری را به ایشان و تفریح و آنچه که ایشان دوست دارند اختصاص دهم و فکر میکنم شاید با این کارها بتوانم او را از افسردگی رها کنم و به مقصد اصلی توجه داد اما گاهی ناامید می‌شوم و احساس میکنم که این کارها بی‌فایده است و او باید به خدا توجه کند و این‌گونه وقت من هم تلف می‌شود (یاد آور می‌شوم که بنده در برهه‌ای از زمان در مسایل دینی و اجتماعی افراط داشتم و نمی‌خواهم اکنون دچار تفریط بشوم) خواهش می‌کنم بنده را راهنمایی فرمایید

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: به نظر بنده انس با همسر و رعایت ایشان خودش یک نوع گشایش روحی و معنوی برایتان می‌آورد به‌خصوص اگر این انس موجب علاقمندی به شما شود و به تبع آن به آنچه شما علاقمند هستید مثل امور دینی، ایشان هم علاقمند گردند. موفق باشید